مقاله مروری (مروری توصیفی)

اهمیت اخلاق و امنیت در تامین حقوق شهروندی از منظر حقوق قضایی

رسول کرمی مقدم[1]، دکتر خیرالله پروین*[2]
۱. گروه علوم سیاسی و حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران
۲. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق وعلوم سیاسی، دانشگاه تهران،تهران ،ایران

(تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۰۹/۲۶)

چکیده

زمینه: حقوق شهروندی یکی از حقوق اساسی و اخلاق محور در جامعه انسانی است که سبب ایجاد امنیت می شود. بر اساس بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است جهت رسیدن به اهداف خود همه امکانات خود را برای تامین حقوق افراد و ایجاد امنیت برای همه به کار گیرد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی اهمیت اخلاق و امنیت در تامین حقوق شهروندی از منظر حقوق قضایی شکل گرفت.

نتیجه گیری: اخلاق و حقوق شهروندی یکی از ارکان های اصلی زندگی اجتماعی در همه جوامع است. اخلاق بنیان حقوق شهروندی است و امنیت لازمه دستیابی به آن است. نظام قضایی وظیفه دارد جهت تضمین امنیت شهروندان اصول اخلاق بنیادی را تدوین نماید که در قالب آنها حقوق افراد تضییع نشود. اصولی مانند برائت، اصل علنی بودن مجازات، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و... . بنابراین در هر جامعه وجود یک نظام قضایی سلامت و توانمند جهت تحقق امنیت شهروندان مورد نیاز و ضروری می باشد. در واقع دستگاه قضایی کشور مسئولیت صیانت از شهروندان در مقابل تعرض به حقوق شرعی و قانونی آنها را بر عهده دارد.

کلیدواژگان: اخلاق، امنیت، حقوق شهروندی، نظام قضایی

سرآغاز

فرایند شهرنشینی جزء اساسی از جوامع انسانی[1] است. شهرها، منعکس کننده سطح پیشرفت جوامع انسانی هستند. این فرایند آثار و تبعات گوناگون مثبت و منفی را به همراه داشته‌است. از مهمترین این آثار منفی شهرنشینی به خطر انداختن محیط زیست[2]، استفاده بی‌رویه از منابع و تهدید حیات بشر در آینده و پیامدهای منفی اجتماعی اقتصادی است. در راستای حل این معضلات مطالعات متعددی صورت گرفته و فرایند شهرنشینی در مناطق مختلف جهان از ابعاد و زوایای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌است(۱).

یکی از این ابعاد مهم مبحث شهرنشینی، حقوق شهروندی[3] است . حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی زیر مجموعه علوم سیاسی[1] قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را در بر می‌گیرد و از این رو به حقوق سیاسی و حقوق عمومی (به معنای اخص) نزدیک می‌شود.(۲).

اما این معانی حقوق شهروندی را از حقوق بشر چندان جدا نمی‌کند و البته این دو مفهوم چندان مشابهت دارند که اشتراکاتشان، تمایز را مشکل می‌کند. برای تفکیک این دو، چند محور را می‌توان ذکر کرد(۳):

۱ .گیرنده یا دارنده آن: دارنده حقوق بشر[4]، موجودی است که با عضویتش در جامعه انسانی به عنوان جهان‌وند از آن منتفع خواهد بود؛ در حالی که دارنده حقوق شهروندی، شهروند است .

۲ .مخاطب آن: حقوق بشر، هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب خود قرار می‌دهد و توصیه و فرمان می‌دهد. در حالی که حقوق شهروندی، اجتماع با افراد خاصی را در محدوده یک دولت-کشور خطاب می‌کند .

۳ .موضوع آن: مفاهیم حقوق بشر عموما ما بعدالطبیعه هستند و از این رو کلی و دارای ابهام‌های اساسی‌اند. اما حقوق شهروندی، از آن رو که مستقیما با مردم و اجرا مواجه‌اند دارای ابهام نیستند و براساس همان مبانی حقوقی ایجاد می‌شوند .

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: kh.parvin@ut.ac.ir

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]

حقوق شهروندی به معنای، رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در جامعه است. اصطلاح «حقوق شهروندی» از نظر مفهومی، پدیده نوظهوری در علم حقوق نیست . اما این قانون برای اولین بار با صدور بخشنامه رئیس وقت قوه‌قضاییه در ۲۰ فروردین سال۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد .

با توجه به اهمیت مبحث حقوق شهروندی پژوهش حاضر با هدف بررسی اهمیت اخلاق و امنیت در تامین حقوق شهروندی از منظر حقوق قضایی شکل گرفت.

حقوق شهروندی

در ابتدا حق حیات شکل گرفت و با مبارزه برای کسب حقوق سیاسی به بلوغ رسید و در نهایت با به دست آوردن حقوق اجتماعی[۵] کامل شد، هرچند احتمالا در آینده با تغییر شرایط اجتماعی- سیاسی جوامع، جهان شاهد تغییرات دیگر در ابعاد آن خواهد بود. از قرن ۲۰، جهان شاهد گسترش شمار شهروندان بود. واژه و مفهوم شهروند همزمان با شروع انقلاب فرانسه با پیدایش فکر ملت و اصل حاکمیت ملی شناخته و پذیرفته شد. (۴).

در هر جامعه همواره افرادی بی بضاعت و بدون حامی وجود دارند. در این میان وضع قوانین حمایتی در خصوص ارتقای سطح این گونه افراد برای اجرای عدالت[۶] اجتناب ناپذیر است و عدالت یعنی فراهم کردن زمینه های لازم برای احقاق حقوق مردم و برابری و فصل خصومت بین مردم بر اساس معیارهای قانونی. رعایت حقوق شهروندی، در زندگی تک تک افراد یک جامعه تاثیر می گذارد و باعث رضایت نسبی با عدم رضایت مندی از حاکمیت می شود (۵).

می توان گفت حقوق شهروندی جدید، دارای دو ویژگی بارز است که آن را از سایر مفاهیم حقوقی جدا می سازد. حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به شمار می آید. این استقلال به این مفهوم است که باید با دید و نگاهی خاص این علم را تعریف و تشریح کرد. اگر حقوق شهروندی مدرن از حقوق بشر جداست، پس مفاهیم، اهداف، بنیان ها و کارکردهای آن نیز باید جداگانه بررسی شود(۶) . ارتباط این رشته با حقوق بشر و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی مربوط به شهروندی، لزوما به معنی عدم استقلال آن نخواهد بود. چرا که تقریبا تمام رشته علوم انسانی با هم در ارتباطند(۷). حقوق شهروندی مدرن، در روابط شهرنشینان با همدیگر و رابطه آنان با ارگان های دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از حقوق شهروندی به مفهوم عام به شمار آورد. حقوق شهروندی شامل سه گونه حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است.

۱. حقوق مدنی: حقوق مدنی[۷] که در حقوق ایران با عنوان حقوق راجع به شخصیت نیز شناخته می شود حقوق مربوط به حفظ ذات و عرض انسانی است. در یک اصطلاح دیگر به آن حقوق عمومی هم می گویند، زیرا پیش از هر چیز، اعمال این حقوق به طرفیت دولت و نمایندگان دولت است تا افراد عادی. حقوق مدنی خود، شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می شود(۸).

۲. حقوق سیاسی : حقوق سیاسی[۸] حقوقی است که به موجب آن، شخص دارنده حق می تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند. مهمترین حقوق سیاسی عبارتند از: حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی، حق دارا بودن تابعیت (۹).

۳. حقوق اجتماعی : این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می شود(۱۰). به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی با خدمات رفاهی[۹] ارتباط دارد. این حقوق شامل موارد زیر می باشد:

- حمایت های مادی و درآمدی مانند تامین مسکن، تامین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تامین اجتماعی (در صورت بیکاری بیماری، از کارافتادگی، پیری، بی سرپرستی، حوادث و سوانح)
- برخورداری از آموزش و پرورش رایگان.
- برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی و برخورداری از بیمه های درمانی همگانی.
- حمایت های قضایی، مانند حق برخورداری از وکیل و حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه.(۱۱)

اخلاق بنیان حقوق شهروندی

اخلاق[۱۰] ارزش هایی است که نگرش ها ، رفتارها و عملکردهای فرد را کنترل می کند. این استانداردها هستند که تعیین می کنند چه مواردی از نظر اجتماعی پذیرفته یا رد می شود. اخلاق فضیلت هایی است که جامعه خاصی را سازمان می دهد و شهروندان آن را راهنمایی می کند. برخی محققان فرض می کنند که اخلاق به درجه احترامی که شخص در رفتار خود نشان می دهد اشاره دارد و به عنوان قضاوت در مورد رفتار مناسب استفاده می شود. احترام جنبه اصلی رفتار خوب و بد است ، به این معنی که هر شخص با احترام بیشتری عمل کند ، اخلاق بهتری دارد (۱۲).

اخلاق بنیان اصلی مبحث حقوق شهروندی است. در جامعه جهانی امروز هر یک از ما شهروندانی هستیم که بر اساس اصول جهانشمول اخلاقی دارای حقوقی اساسی هستیم. متاسفانه به شهروندی جهانی اهمیت زیادی داده نمی شود ، اگرچه ممکن است تغییرات مثبتی به همراه داشته باشد و جامعه ای با ثبات را تضمین کند. شهروندی جهانی تقریباً به طور کامل در بحث عمومی غایب است (۱۳). این ممکن است به دلیل عدم آگاهی مردم از اهمیت آن و عدم دانش در زمینه اخلاق شهروندی[۱۱] جهانی باشد. دلیل این امر ممکن است ناشی از عدم گنجاندن اخلاق شهروندی جهانی در آموزش به عنوان وسیله ای برای راهنمایی فراگیران در زندگی اجتماعی آنها و تنظیم روابط بین شهروندان باشد. باید تفاوت واضحی بین "اخلاق" و "اخلاقیات" در

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفدهم، شماره ۱، ۱۴۰۲

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]

نظر گرفته شود. اولی به مجموعه ای از هنجارها و معیارها اشاره دارد ، که بیانگر چگونگی عملکرد و هدایت رفتارها و تصمیمات شخص یا گروهی از افراد است ، در حالی که دومی اشاره به تأمل منظم و مداوم در مورد ماهیت اخلاق یا اخلاق دارد . این تأملات می توانند غیررسمی باشند ، مانند ارزش ها و اصول اخلاقی[۱۲](۱۴). اخلاق را می توان به معنای یک اسم جمع در هنگام صحبت در مورد مجموعه ای از اصول ، ارزش ها و معیارها که روابط بین مردم را سازمان می دهد ، در حالی که می توان از آنها برای اشاره به یک واحد در هنگام مراجعه به مطالعه این اصول ، ارزش ها ، معیارها استفاده کرد.

دو اصل اخلاقی زیربنایی حقوق شهروندی عبارتست از:

۱. رعایت اصل کرامت انسانی در مورد شهروندان : صطلاح کرامت انسانی[۱۳] که در برخی اسناد از آن با تعبیر "کرامت ذاتی بشر" یاد می‌شود، با وجود آن که در بسیاری از اسناد حقوق بشری و... مورد تصریح قرار گرفته، اما با این حال تا کنون در هیچ یک از اسناد مورد تعریف قرار نگرفته است. با ملاحظه ی معانی مفردات این اصطلاح و تعریف آن در سایر منابع و مصادیق آن می‌توان به مفهومی نسبتا شفاف از این اصطلاح دست یافت . در ترمینولوژی حقوق بشری، اصطلاح کرامت انسانی به این شرح تعریف شده است: «کرامت انسان، ارزش فطری (ذاتی) یا شایستگی هر انسان است که با وجود هویت و ماهیت انسانی هر فرد انسانی وجود می‌یابد و به عنوان مبنای فلسفی تمامی حقوق بشر شناخته می‌شود». (۱۵) برای پی بردن به جایگاه و اهمیت اصل کرامت انسانی در حقوق کیفری شکلی ایران، مقررات مربوط به آیین دادرسی کیفری از جمله قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، قانون شهروندی مصوب ۱۳۸۳، قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و آیین نامه سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ را باید مورد بررسی قرار داد زیرا قوانین شکلی که مرتبط با حقوق شهروندی و کرامت انسانی می باشد در این قوانین یافت می شود. به طور کلی در نظام بین الملل حقوق بشر، جهت احترام به کرامت انسانی در قلمرو دادرسی کیفری، تدابیری از قبیل قانونمندی دادرسی کیفری، برابری افراد در برابر قانون، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازات های غیر انسانی و خود سرانه، منع دستگیری و بازداشت های خود سرانه، حاکمیت اصل برائت، منصفانه بودن محاکمه، علنی بودن محاکمه، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان، لزوم جبران زیان های وارد شده بر بازداشت شدگان یا محکومان بی گناه، منع محاکمه و مجازات های مجدد، حق درخواست تجدید نظر و ... اتخاذ گردیده است. (۱۶).

۲. حریم خصوصی و حقوق شهروندی: رعایت حریم خصوصی[۱۴] یکی از اساسی ترین اصول اخلاقی است. امروزه با تحول و پیشرفت جوامع حریم خصوصی و خلوت خصوصی اشخاص در معرض آسیب و مخاطراتی قرار گرفته که پیش از این وجود نداشت. در همین راستا بسیاری از کشورها در جهت حفظ و حمایت از حریم خصوصی شهروندان مقررات خاصی را به تصویب رساندند و کمترین تخطی به این حریم را جرم انگاری کرده اند. باید گفت حریم خصوصی محدوده ای از زندگی شخصی است که به وسیله قانون و عرف تعیین شده و ارتباطی با عموم ندارد. به نحوی که دخالت دیگری در آن ممکن است باعث جریحه دار شدن احساسات یا تحقیر شدن وی نزد دیگران به عنوان موجود انسانی شود(۱۷). حق رعایت و احترام به زندگی خصوصی یکی از آزادی های بنیادین محسوب می شود که از مفاهیم نظام های حقوقی توسعه یافته است و با کرامت انسانی نیز ارتباط نزدیکی دارد. بنابراین پشتیبانی و حمایت از شخصیت افراد، نیازمند حمایت از حریم خصوصی اوست. در تمام جوامع و در تمام زمان ها و دوره ها، حتی در جوامع ابتدایی، قواعد اجتماعی وجود داشته که ورود به اماکن خاصی را محدود می کرده و حضور در اماکن معینی را ممنوع می دانسته است.(۱۸) برخی بر این عقیده هستند که صلاحیت کشف و تعقیب جرایم و مجرمان را دارند مجازند تا در موارد قانونی به توقیف و تفتیش مظنونان بپردازند. این افراد عبارتند از نیروی انتظامی و ضابطان دادگستری، منتها به هر اتهامی نمی توانند این کار را انجام دهند. قاعد کلی این است که برای هر توقیف و تفتیش، مجوز قضایی لازم است.

در فرضی که بدون وجود هر گونه اتهامی بنا به ملاحظات دیگر، افراد متوقف و تفتیش می شوند، نظیر بازرسی های بدنی افراد در برخی اماکن مذهبی، برخی مناسبت ها، فرودگاه ها، اماکنی که برای محافظت از آنها ضریب امنیتی بالا لازم است، تفتیش در حد معقول بدون کسب مجوز قضایی، مجاز است؛ اما نباید به گونه ای باشد که با کرامت انسانی مغایرت داشته باشد. (۱۹).

افزایش امنیت انسانی با رعایت حقوق شهروندی

در نظام مردم سالاری زمامداری بر اساس یک میثاق ملی و یک سند حقوقی به نام قانون اساسی سامان می یابد که حکومت و مردم در روابط متقابل خود مکلف به رعایت آن هستند. مطابق شرع اسلامی، هدف اصلی، سعادت همگان و برخورداری جامعه بشری از عدالت، امنیت و آزادی های انسانی است. (۲۰) تضمین حقوق و آزادی های شهروندان و استقرار امنیت فردی و اجتماعی برای آنان در گرو تنظیم اقتدار هیات حاکمه از طریق وضع قوانینی است که حدود اختیارات و برخورداری آنان را به نحو منطقی مشخص نماید. اولین تضمین برای امنیت فردی و اجتماعی شهروندان حمایت آنان در مقابل قوانین استبدادی و تبعیض آمیز است.(۲۱) حقانیت قوانین و تساوی حقوقی ارتباط مستقیم با مردم سالاری دارد. (۲۲) مطابق قانون اساسی ذیل اصل ۹ و بند ۱۴ اصل ۳ برای تضمین حقوق و آزادی های اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف است همه امکانات خود را برای ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه به کار ببرد. (۲۳). در نظام جمهوری اسلامی کلیت و غیر شخصی بودن قانون مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی به این ترتیب پذیرفته شده است. همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و دولت موظف است همه امکانات خود را برای تساوی عموم در برابر قانون به کار گیرد. (۲۴)

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]

انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد، در این میان مهمتر از امنیت، موضوع احساس امنیت است؛ زیرا ممکن است در جامعه ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، اما فرد احساس امنیت نکند. به عبارت دیگر، امروزه امنیت انسانی از واژه هایی است که مکرر مورد استفاده نهادهای سازمان ملل، نهادهای کمک رسان به توسعه ملی و سازمان های غیردولتی ملی و بین المللی قرار می گیرد. (۲۵). موضوع امنیت از فرد شروع و به خانواده، جامعه و در نهایت نظام بین المللی ختم می شود. عدم امنیت پدیده ای خارج از مرزهای ملی یا جوامع نیست، بلکه عوامل ایجاد احساس عدم امنیت را باید در درون جوامع و در ساز و کار نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد. بنابراین هر عاملی که امنیت اقتصادی، بهداشتی، زیست محیطی، سیاسی، غذایی، فردی و ارتباطی شهروندان را تهدید کند، می تواند زمینه ساز مسایل و مشکلاتی باشد که پس از آن، امنیت ملی را در معرض مخاطره قرار می دهد. از این رو افزایش امنیت از طریق حفظ حقوق شهروندان و تامین حداقل نیازهای اساسی آنها تنها راه حفظ انسجام ملی برای مقابله با تهدیدهای خارجی یا حتی پیشگیری از این تهدیدهاست.(۲۴) .

حاکمیت قانون در تامین اخلاق و امنیت و نقش نظام قضایی در آن

در این قسمت تاثیری که حاکمیت قانون در صیانت از اخلاق و تامین امنیت، که به ترتیب بنیان و هدف حقوق شهروندی هستند، می گذارد مورد بررسی قرار می گیرد. در این رابطه نظام قضایی اصلی ترین وظیفه را بر عهده دارد و استقلال در نظام قضایی می توانند نقشی عمده در صیانت از اخلاق و تامین امنیت داشته باشد.

استقلال قضایی

امکان حل و فصل منصفانه اختلافات، امری اساسی در ثبات اقتصادی و سیاسی می باشد. بازیگران اقتصادی و سیاسی باید به وجود یک داور بی طرف و مستقل که به اختلافات آنها رسیدگی می کند باور داشته باشند(۲۶) بدین ترتیب است که قوانین و مقررات موجود محترم شمرده می شوند. قضات در جریان رسیدگی با بررسی و تبیین قوانین و مقررات موجودف نکات مبهم را روشن می سازند(۲۷).

بی شک اصل استقلال قضایی[۱۵] رکنی حیاتی در تثبیت حاکمیت قانون در حقوق بین الملل است. باید گفت قضاتی که مصون از هر فشار سیاسی یا غیرسیاسی باشند، در رسیدگی به دعاوی و اختلاف، اصول و موازین قانونی را به دور از هر نوع اعمال نفوذ ناروای عوامل خارجی به کار خواهند برد. این نگرش احترام عمومی به دادگاهها را تقویت می کند و اتباع و حکومت را جهت حل و فصل عادلانه اختلافات ترغیب می کند(۲۸).

در اسناد بین المللی دادگاه مستقل لازمه تضمین امنیت افراد عنوان شده است. وقتی که قضات، در مقام دادرسی، صرفا بر اساس موازین قانونی و دستورات وجدانی خود، به دور از هر گونه نفوذ یا فشار بیرونی و درونی مبادرت به صدور حکم نمایند، دارای امنیت و استقلال قضایی هستند (۲۹). قانون اساسی کشور ما نیز، با درک این موضوع، با اعلام اینکه قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. ساز و کارهای لازم برای تامین استقلال قضایی مقرر داشته است:

-قضات در انجام وظیفه دادرسی نباید تحت فشار و اعمال نفوذ دیگر قوای حاکم باشند زیرا مشاهده می شود که دستگاههای عمومی، به ویژه قوه مجریه، با بهانه قرار دادن منافع و مصالح عمومی، در مقابل دستگاه قضایی ایستادگی می کنند و حتی به فرض صدور حکم محکومیت، نسبت به آن تمکین نمی کنند. اصل تفکیک قوا و عدم اقتدار قانونی ناشی از آن بر روی قوه قضاییه تامین کننده این مقصود می باشد (۲۸).

-اعمال سلسله مراتب اداری را که قوه مجریه به عنوان یک اصل اساسی حاکم است، در امر قضا باید منتفی دانست، زیرا ممکن است این امر، از طریق دستور مافوق، در وظایف قضایی ایجاد اختلال کند و عدالت و امنیت را متزلزل سازد.

-نظام قضایی باید به گونه ای باشد که قضات با تمهیدات قانونی و حمایتی شایسته از دخالت و نفوذ مادی و معنوی قدرتمندان که معمولا از طریق تهدید یا تطمیع به طور مستقیم یا غیرمستقیم در امور قضایی مورد علاقه خود دخالت می کنند، در امان باشد.

-صفات و شرایط قاضی بر طبق موازین فقهی به وسیله قانون مشخص می شود. در این ارتباط، ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ و اصلاحیه های بعدی آن شرایطی را برای قضات مقرر داشته که ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی به عنوان مهمترین شرایط آن جلب توجه می کند.

-اصل امنیت شغلی و مصونیت شخصی از جمله شرایطی است که قضات با دارا بودن آن، بدون هیچ دغدغه خاطری قادر به رسیدگی و صدور احکام مستند و مستدل خواهند بود. در این خصوص، اصل ۱۶۴ قانون اساسی منع عزل قضات بدون محاکمه و ثبوت جرم و منع انتقال بدون رضایت مگر به اقتضای مصلحت جامعه را مقرر داشته است. با وجود این، امکان عزل قضات به سبب فقدان صلاحیت امر قضا توسط محکمه عالی انتظامی قضات، موضوع قانون رسیدگی به صلاحیت قضات مصوب ۱۳۷۶/۳/۱ از آنجا که ممکن است رسیدگی و صدور حکم به طور غیابی و بدون حضور قاضی مشتکی عنه و محکوم صورت گیرد، می تواند نسبت به تامین استقلال قاضی نگران کننده باشد.

-اصل بی طرفی از لوازم اجتناب ناپذیر امر قضا به شمار می رود. در این خصوص، هر چند که قوانین دادرسی مواد رد قضات را مورد تاکید قرار داده است، اما تجربه تاریخ نشان می دهد که علاوه بر موارد مذکور، موقعیت اجتماعی و مشرب سیاسی قضات نیز می تواند بر امر قضا موثر باشد. به همین جهت برای تامین بی طرفی کامل اصل منع عضویت یا

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۱، ۱۴۰۲

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]

شبهه وابستگی قضات به احزاب و گروههای سیاسی نیز باید به ویژه مورد توجه قرار گیرد. (۵).

مسئولیت قضات یا دستگاه قضایی

با مردمی شدن نظام های سیاسی، اصل مسئولیت قضات همانند دیگر زمامداران و کارگران به عنوان شرط مطلوب و لازم برای حقانیت و تضمین امنیت مردم پذیرفته شده است. هرچند که دادگاهها و قضات، مرجع رسیدگی به تظلمات عمومی هستند، اما متصب زمامداری، خواه و ناخواه، آنان را در موضع قدرتی قرار می دهد که افراد جامعه در مقابل آن آسیب پذیر می شوند. در چنین حالتی است که اصل مسئولیت قضات، به منظور توجه به امنیت افراد، ضرورت منطقی پیدا می کند. (۳۰)

بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد (۳۱).

مسئولیت کیفری مقامات قضایی

اصل ۱۶۴ قانون اساسی با بیان اینکه «قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد...» مجرمیت و محکومیت قاضی را از نظر دور نداشته است.

از دیگر مقامات قضایی که می توانند نسبت به حقوق شهروندی دارای مسئولیت کیفری شوند، دادستان می باشد. ازآنجایی‌که دادستان نیز مانند هر قاضی دیگری مصون از خطا و اشتباه نیست ممکن است در جریان رسیدگی به امور مردم با اشتباهاتی روبه‌رو شود که این اشتباهات منجر به مسئولیت دادستان گردد. چون دادستان با جان و مال و ناموس مردم سروکار دارد و اصولاً با اجرای صحیح قوانین، حافظ آن‌ها به شمار می‌رود. (۳۰ و ۳۲)

باید گفت ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری و مقامات قضایی را مکلف به رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی کیفری کرده است؛ باید گفت در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی همه مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است.

مواد ۴۶ و ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تفهیم اتهام و در صورت بازداشت، بیان علت بازداشت وی، آن هم تنها با مجوز بازداشت حداکثر ۲۴ ساعته، را جزئی از حقوق متهم به شمار آورده و مقرر می دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می تواند تکمیل آن را بخواهد.

در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند اما نمی توانند متهم را تحت نظر نگه دارند.» همچنین «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.»

توجه به حقوق شهروندی در ماده ۱۹۵ قانون مذکور کاملا آشکار است. چرا که بازپرس پیش از شروع تحقیقات، هشدارهای لازم را به متهم در خصوص اظهاراتش می دهد و به وی بیان می دارد که مراقب اظهارات خود باشد و همچنین بازپرس مکلف گردیده به بیان سوالات واضح و به دور از ابهام، به طوری که اگر سوالات تقنینی یا مبهمی از متهم بپرسد، وکیل متهم می تواند به بازپرس تذکر دهد. (۳۳).

نتیجه‌گیری

اخلاقیات در دو زمینه به کار می‌روند، یکم: تشخیص فردی (خوب از بد) و دوم :روش‌های رفتاری که گاه به عنوان «عرف رفتاری» نهادینه شده در یک گروه فرهنگی، مذهبی، اجتماعی یا فلسفی شناخته می‌شود. جوامع بدون توجه به اخلاق فردی و اجتماعی پایدار نخواهند بود از این رو پس از شکل گیری شهرنشینی مفهومی تحت عنوان حقوق شهروندی برای حمایت از حقوق فردی و اجتماعی شهروندان و حفظ امنیت آنها و برقراری عدالت شکل گرفت. دو اصل اخلاقی زیربنایی حقوق شهروندی عبارتست از رعایت اصل کرامت انسانی در مورد شهروندان و حفظ حریم خصوصی آنهاست.

در جوامع دمکراتیک یکی از ارگان هایی که نقش عمده در حفظ حقوق شهروندی دارد نظام قضایی است. نظام قضایی برای دستیابی به این هدف نیازمند برخورداری از استقلال است. در مورد استقلال قوه قضاییه و قضات باید گفت استقلال این قوه شامل استقلال قاضی و دستگاه قضایی است که در عین داشتن ارتباط، متفاوت نیز هستند. استقلال قاضی در قلم و تصمیم او نمایان می شود. استقلال قوه قضاییه ضامن حفظ حقوق و آزادی های مشروع، گسترش عدل و حمایت از حقوق عامه است. معنای نسبی بودن استقلال دستگاه قضایی است که در تعاملات و روابط با دستگاههای دیگر، در چارچوب قانون عمل کند. دستگاه قضایی باید با سایر دستگاهها همکاری و ارتباط داشته باشد و محدوده این همکاری را قانون مشخص می نماید.

ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی؛ انتشار چندگانه و تعارض منافع در پژوهش حاضر موردتوجه قرارگرفته‌اند.

سپاسگزاری

در پایان نویسندگان بر خود لازم می دانند از همه اساتید و همکارانی که در این پژوهش یاری گر و همفکر بوده اند تشکر و قدردانی نمایند.

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]

12. Angle C. (2004). Defining ethics good and evil. Retrieved from https://books.google.dz/books?id=Xa9gW7Ih6LIC&printsec=frontcover&dq=what+is+ethics&hl=fr&sa=X&ved=0ahUKEwih5p6zs7XQAhWBkBQKHWqyDs8Q6AEIUAH#v=onepage&q=what%20is%20ethics&f=false. Accessed: 19 may 2016
13. Schattle H. (2008). The practices of Global Citizenship. Retrieved from https://books.google.dz/books?id=En1AZSEnnQC&printsec=frontcover&dq=globalcitizenship&hl=fr&sa=X&ved=0ahUKEwirh_PG0sPUAhXHthQKHX9oDKsQ6AEIIDAA. Accessed: 12 may 2016
14. Dower N, Williams J. (2002). Global citizenship: A critical introduction. New York: Routledge.
15. Khani-Valizadeh S. (2017). Investigating the relationship between observance of defense rights and human dignity of individuals in the administrative law of Iran and France. Journal of Administrative Law; 5(41). (In Persian).
16. Hashemi SM. (2013). Fundamental rights and political structures. 2nd ed. Tehran: Myzan Publication. (In Persian).
17. Rahmdel M. (2005). Human right to privacy. Journal of the Faculty of Law and Political Science; 70 (1). (In Persian).
18. Shahribaf J. (1999). Social history of Iran in the 13th century. Tehran: Rasa Publication. (In Persian).
19. Ansari V. (2001). Criminal investigation law. 1st ed. Tehran: Samt Publication. (In Persian).
20. Hemati M. (2013). Citizenship training. Journal of Basic Law; 7(9). (In Persian).
21. Raee M. (2011). Rule of law and government decrees in the constitution of the Islamic Republic of Iran. Journal of Islamic Government; 63. (In Persian).
22. Zare'ei MH. (2007). Comparative study of legislatures. 1st ed. Tehran: Islamic Consultative Assembly Research Center. (In Persian).
23. Aslani F. (2011). The concept of the rule of law and its interpretation with emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies; 8(26). (In Persian).
24. Naji-Zavare M. (2010). Impartial proceedings in criminal matters. 1st ed. Tehran: Shahr Danesh Publication. (In Persian).
25. Rezaeezadeh MJ, Abedi S. (2010). Citizens' rights, the initiator of administrative reforms. Journal of Law; 40(3). (In Persian).
26. Mashkani AH. (2009). Law oriented government. 1st ed. Tehran: Omid Mehr Publication. (In Persian).
27. Hashemi SM. (2005). Constitutional rights of the Islamic Republic of Iran. 2nd ed. Tehran: Myzan Publication. (In Persian).
28. Meron T. (2006). The humsnization of international law. Leiden/Oston: Nijhoff Publication.

واژه نامه

1. Human society	جوامع انسانی
2. Environment	محیط زیست
3. Citizenship right	حقوق شهروندی
4. Human right	حقوق بشر
5. Social right	حقوق اجتماعی
6. Justice	عدالت
7. Civil law	حقوق مدنی
8. Political law	حقوق سیاسی
9. Welfare service	خذمات رفاهی
10. Ethics	اخلاق
11. Citizenship ethics	اخلاق شهروندی
12. Ethical principles	اصول اخلاقی
13. Dignity	کرامت انسانی
14. Privacy	حریم خصوصی
15. Judicial security	امنیت قضایی

References

1. Enayati T, Arasteh H, Zameni F, Nezafati-Payani Y. (2012). The relationship between citizenship rights with social behavior in university students. Ethics in Science and Technology; 7 (2) :25-34. (In Persian).
2. Ahangar N, Rasouli R, Darvish H, As'adi M. (2018). Ethical necessity of explaining the model of democratic citizenship in Iranian public organizations. Ethics in Science and Technology; 13 (3) :138-145. (In Persian).
3. Hemati S. (2012). What do we know about our citizenship rights? Available at: https://shahrvandi.blogsky.com/1391/06/07/post-2. Accessed: 2 may 2016
4. Zare'ee MH. (2008). Rule of law and democracy: compatibility or conflict. Journal of Law research; 48 (2). (In Persian).
5. Bazhdan MH. (2012). Personal security in Iran. 1st ed. Tehran: Bineh Publication. (In Persian).
6. Madahi E. (2010). Public oversight and citizenship rights. Report of the Mayor of District 18 of Tehran on Citizenship and Municipal Rights. (In Persian).
7. Shojaeyan K. (2017). Components of the rule of law in the light of the United Nations definition. Journal of Public Law Research; 1(3). (In Persian).
8. Razavi M, Khazali SA. (2017). Citizenship rights in the crime detection process. Law Enforcement Knowledge Quarterly; 4(9). (In Persian).
9. Kazemi A. (2014). External monitoring in political systems. Journal of Islamic Government; 33 (2). (In Persian).
10. Bashirye H. (2002). Lessons in democracy for all. Tehran: Moaser Publication. (In Persian).
11. Seyyed Fatemi SM. (2003). Human right in current world. Tehran: Shahid Beheshti University Printing and Publishing Center. (In Persian).

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هجدهم، شماره ۱، ۱۴۰۲

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]

29. Goudarzi-Brojerdi MR. (2008). Familiarity with the structure of the judiciary and prison regulations. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publication. (In Persian).
30. Markaz-Malmiri A. (2006). The rule of law is the basis of concepts and perceptions. Publications of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian).
31. Trechsel S. (2005). Human rights in criminal proceedings. 1st ed. London: Oxford University Press.
32. Afrasiabi S, Khoeini G, Mojtahed-Soleimani A. (2020). Legal and ethical principles of criminalization in Iran's criminal law. Ethics in Science and Technology; 14(4):1-6
33. Alavi SA. (2015). Investigator and interrogator in the Iranian criminal law system. 1st ed. Tehran: Negah Publication. (In Persian).

مقاله مروری (مروری توصیفی)

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]